

The effect of economics on the elimination of working children with a jurisprudential approach

Ameneh Mazlumzadeh¹, Abdolreza Jamalzadeh^{2*}, Roghayeh Shahabi³

1. PhD Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 51-71

Article history:

Received: 27 Nov 2021

Edition: 20 Jan 2022

Accepted: 5 Feb 2022

Published online: 26 Mar 2022

Keywords:

Working Children, Economics, Jurisprudence, Economic Development, Job Creation, Legal Protection

Corresponding Author:

Abdolreza Jamalzadeh

Address:

Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Orchid Code:

0000-0001-8237-4468

Tel:

09126543966

Email:

gamalzadehpro@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Working children is one of the most important social, economic and legal issues that has always been discussed. In this article, an attempt has been made to explain and analyze working children from a jurisprudential perspective and the possibility of eliminating child labor under the influence of economic components such as occupation.

Materials and Methods: This is a descriptive-analytical article using the library method to investigate the question.

Ethical considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: The findings indicate that there is no single view on child labor in jurisprudence, but the prevailing view of jurists is that the child's work itself is not abominable, provided that it is the will of the guardian and the child is able to do it. And not harm him. It also seems unlikely that the phenomenon of child labor will be completely eliminated, but since there is a significant relationship between economic poverty and child labor, economic development can affect the reduction of child labor.

Conclusion: Working children due to emergencies seem inevitable. Therefore, it is necessary to develop appropriate legal mechanisms for the legal protection of child labor, because at least by using legal mechanisms to prevent the abuse of working children and reduce harm in this area, and from the point of view of jurisprudence in support of child labor and urgency Interest said.

Cite this article as:

Mazlumzadeh A, Jamalzadeh A, Shahabi R. The effect of economics on the elimination of working children with a jurisprudential approach. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022; 4(1):51-71.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره اول، بهار ۱۴۰۱

تأثیر اقتصاد بر حذف کودکان کار با رویکرد فقهی

آمنه مظلومزاده^۱، عبدالرضا جمالزاده^۲، رقیه شهابی^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: کودکان کار از موضوعات مهم اجتماعی، اقتصادی و حقوقی است که همواره محل بحث و نظر بوده است. در این مقاله تلاش شده کودکان کار از منظر فقهی و امکان حذف پدیده کار کودک تحت تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی مانند اشغال تبیین و تحلیل شود.

مواد و روش‌ها: مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها بر این امر لالت دارد که در فقه در خصوص کار کودک دیدگاه واحدی وجود ندارد، اما نظر غالب فقها این است که کار کودک، مکروه نیست، به شرطی که به خواست ولی او بوده، کار مورد نظر، حلال و کودک قادر به انجام آن باشد و ضرری برای وی به همراه نداشته باشد. همچنین حذف کامل پدیده کار کودک بعید به نظر می‌رسد اما از آنجا که بین فقر اقتصادی و کار کودک ارتباط معناداری وجود دارد، توسعه اقتصادی می‌تواند بر کاهش کودکان کار تأثیرگذار باشد.

نتیجه: کودکان کار ناشی از اضطراب امری ناگزیر به نظر می‌رسد. بنابراین لازم است در راستای حمایت قانونی از کودکان کار سازوکارهای مناسب قانونی تدوین شود چراکه که دست‌کم می‌توان با بهره‌گیری از سازوکارهای قانونی مانع از سوءاستفاده از کودکان کار شده و آسیب‌ها در این زمینه را تقلیل داد و از دیدگاه فقه در حمایت از کار ناگزیر و اضطراب کودک بهره گرفت.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۱-۵۱

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۰/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۱/۰۶

واژگان کلیدی:

کودکان کار، اقتصاد، فقه، توسعه اقتصادی، اشتغال‌زایی، حمایت قانونی.

نویسنده مسوول:

عبدالرضا جمالزاده

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

تلفن:

۰۹۱۲۶۵۴۳۹۶۶

کد ارکید:

0000-0001-8237-4468

پست الکترونیک:

gamalzadehpro@gmail.com

۱. مقدمه

تحول‌های اجتماعی همچون صنعتی شدن و شهرنشینی، افزایش نابرابری‌های اجتماعی، دگرگونی در ساخت و کارکرد خانواده و افزایش تنش‌های اجتماعی، پیامدهای چون کودکان کار را به دنبال داشته است (محمدی، ۱۳۹۴، ۵۸). کودکان کار شامل کودکانی است که بیش از رسیدن به سن قانونی کار ناگزیر وارد بازار کار می‌شوند، و کار زودرس آن‌ها مانع رشد طبیعی اجتماعی و روانی و جسمانی آن‌ها شده است (آزاد ارمکی، ۱۳۷۷، ۶). ارتباط تنگاتنگ پدیده کودکان کار، با آسیب‌ها، جرائم و انحرافات اجتماعی و تأثیر آن بر افزایش فقر و نابرابری‌های اجتماعی، این پدیده را به مسئله‌ای اجتماعی برای کل جامعه، نه صرفاً برای کودکان و خانواده‌هایی که قربانیان مستقیم آن هستند، مبدل نموده است که توافقی جمعی بر سر مسئله بودن آن در همه جوامع وجود دارد (ذاکری نصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۹، ۳). حمایت از کودکان کار زمانی محسوس گشت که خطرات جانی و روحی زیادی به دلیل شرایط نامساعد کار و عدم توانایی‌های جسمی و روحی کودکان به آنان وارد آمد. کار کودکان آسیب‌های فراوانی برای آنان به دنبال دارد. از جمله آن‌که مانع افزایش دانش و آموزش و مهارت‌های کودک می‌شود. موجب وارد آمدن انواع آسیب‌های اجتماعی از قبیل اعتیاد، خرید و فروش مواد مخدر، سوءاستفاده‌های جنسی می‌گردد و در نهایت بزهکاری کودکان و نوجوانان بالا می‌رود (رئیس دانا، ۱۳۸۲). کودکان نیز که پایه و اساس رشد

جسمی، عقلی و اجتماعی آنان، از همان سال‌های نخست زندگی، آغاز می‌شود، با توجه به وضعیت خاص آنان به لحاظ جسمی و روحی، نیاز به حمایت‌ها و مراقبت‌های ویژه‌ای دارند. این اقدامات باید مفهوم و قالب متناسبی یافته و با توجه به ناتوانی کودکان برای استیفای مستقیم حقوق خویش، جنبه‌های حمایتی وسیعی می‌یابد؛ به گونه‌ای که بزرگسالان، الزام ناشی از حمایت آنان را کاملاً احساس کنند. در تحقیق‌های متعدد به ابعاد مختلف مسئله کودکان پرداخته شده است. در این مقاله اما تلاش شده تأثیر اقتصاد بر حذف کودکان کار با رویکرد فقهی بررسی شود؛ رویکرد فقهی در خصوص کودکان کار چیست و اقتصاد و توسعه و اشتغال‌زایی تا چه در حذف کودکان کار تأثیرگذار است؟ فرضیه مقاله بدین شکل قابل طرح است که: «توسعه اقتصادی می‌تواند به کاهش کودکان کار بیانجامد اما حذف کامل پدیده کار کودکان امکان‌پذیر نبوده و وجود پدیده‌ای با عنوان کار اضطرار کودک، ناگزیر است. مطابق نظر غالب در فقه نیز، کار کودک تحت شرایطی مکروه نیست و این امر با کار اضطرار کودکان تا حدی سازگاری دارد.» در راستای بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره، ابتدا به بحث نظری پرداخته شده، سپس دیدگاه فقه و حقوق موضوع در خصوص کودکان کار تبیین شده و در ادامه از تأثیر اقتصاد بر کودکان کار بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها بر این امر لالت دارد که در فقه در خصوص کار کودک دیدگاه واحدی وجود ندارد اما نظر غالب فقها این است که نفس کار کودک مکروه نیست، به شرطی که به خواست ولی او بوده، کار حلال و کودک قادر به انجام آن باشد و ضرری برای وی نداشته باشد. همچنین حذف کامل پدیده کار کودک بعید به نظر می‌رسد اما از آنجا که بین فقر اقتصادی و کار کودک ارتباط معناداری وجود دارد توسعه اقتصادی می‌تواند بر کاهش کودکان کار تأثیرگذار باشد.

۵. بحث

در این قسمت به بررسی بحث نظری پرداخته می‌شود.

۵-۱. کودک

واژه‌های طفل (حجتی اشرفی، ۱۳۷۹، ۹۷۵) و صغیر (جماد جوهری، ۱۳۷۶؛ فراهیدی، ۱۴۱۰) مترادف کودک، واژه رضیع به معنای شیرخوار (مهدزبیدی، ۱۳۰۶) و واژه صبی نیز گاه به معنای

کودک (محمد طریقی، ۱۳۶۲) و گاه به معنای شیرخوار (حلی، ۱۴۲۰-۱۴۱۲، ۷، ۳۰۶) است. کودک به معنای انسان کم‌سنی است که هنوز بزرگ و بالغ نشده است، واژه بچه (اگر به معنای فرزند نباشد) نیز بیش‌تر به همین معنا بکار می‌رود. واژه شیرخوار معنای خاص‌تر دارد و صرفاً به دوره شیرخوارگی کودک گفته می‌شود. نوزاد نیز به دوره شیرخوارگی و اندکی پس از آن اطلاق می‌شود (امامی، ۱۳۷۱، ۵، ۲۴۵). نظر مشهور فقهای امامیه سن بلوغ برای پسران ۱۵ سال و برای دختران ۹ سال قمری می‌باشد (حلی، ۱۴۰۸؛ خویی، ۱۳۹۷). و به طور کلی از منظر فقها طفل یا کودک به کسی اطلاق می‌گردد که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲). مطابق ماده‌ی یک کنوانسیون حقوق کودک اشخاص زیر ۱۸ سال کودک تلقی می‌شوند مگر آنکه طبق قانون قابل اجرا سن بلوغ کمتر مقرر شده باشد (مهرپور، ۱۳۸۳). فقها در تعیین معیار سن کودک به بلوغ توجه داشته‌اند و معیار بلوغ را در نظر گرفته‌اند. لذا معیار سن کودک در اسناد بین‌المللی رشد می‌باشد که دارای مفهومی متفاوت از بلوغ است (سرمدی و اهرمی، ۱۳۹۴).

در حقوق ایران مطابق تبصره‌ی ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی: «سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختران نه سال قمری است». بنا بر ماده ۷۹ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ که این چنین اذعان دارد: «به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است»، حال با توجه به این قانون کودک به اشخاص کمتر از ۱۵ سال اطلاق می‌گردد

۵-۲. کودکان کار

کودکان کار، کودکانی هستند که دلایل مختلف مجبورند ساعاتی از عمر خود را به کار در سطح خیابان‌ها یا کارگاه‌ها و کارخانه‌ها بگذرانند (ماندگار، ۱۳۹۶، ۱۴۹؛ محسنی، ۱۳۸۴، ۱۱). کودکان کار شامل کودکانی است که بیش از رسیدن به سن قانونی کار ناگزیر وارد بازار کار می‌شوند، و کار زودرس آنها مانع رشد طبیعی اجتماعی و روانی و جسمانی آنها شده است. برخی از آنها بعد از اتمام ساعات کار به نزد خانواده بازمی‌گردند اما برخی ارتباطشان با خانواده به کل قطع شده است (سلیمانی و حاجیانی، ۱۳۹۲، ۵۵؛ محسنی، ۱۳۸۴، ۱۱).

کار کودک در آغاز اصطلاحی بود، به معنای به کارگیری کودکان در کارخانه‌ها. اما این اصطلاح اکنون به کارهایی که کودکان انجام می‌دهند، به ویژه کارهایی که از درس خواندن آنان جلوگیری می‌کند یا برای سلامتی‌شان زیان‌بار است، گفته می‌شود (کلانتری و کیانی، ۱۳۸۶، ۱۴). اصطلاح کار کودک کلیه فعالیت‌های اقتصادی انجام‌گرفته توسط اشخاصی که سن آنها از ۱۵ سال کمتر باشد، صرف‌نظر از وضعیت اشتغال آنها (مزدبگیر، خود فرما، کارگر بی‌جیره و مواجب و...) را شامل می‌گردد.

کار کودکان از نظر جسمی و روانی موجب وارد آمدن آسیب‌هایی به کودکان می‌گردد همچنین که باعث محروم ساختن کودکان از تحصیل یا شرایط سخت تحصیلی به همراه کار کردن‌های سخت و طولانی می‌شود. مشکلات خانوادگی و فقر فرهنگی

همچنین در این قانون بر خلاف قانون مدنی که بین سن دختر و پسر قانون‌گذار تمایز قائل گردیده است، پس در اینجا تعریف واحدی از طفل برای دختر و پسر ارائه نموده، آن طور که تمامی اطفال در سن ۱۵ سال شمسی از حالت طفولیت خارج می‌شوند همچنین معیار تعیین سن بلوغ در قانون مدنی سال قمری می‌باشد اما در قانون کار با در نظر گرفتن اصل ۱۷ قانون اساسی مبنی بر تعیین سال شمسی به عنوان سال رسمی در ایران سال شمسی مبنا است (جنگجو و همکاران، ۱۳۹۴).

بر اساس آنچه گفته شد، مطابق فقه و قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران کودک کسی است که بالغ نشده باشد. سن بلوغ برای پسران پانزده سال تمام و برای دختران، نه سال تمام می‌باشد. بنا بر ماده‌ی ۷۹ قانون کار ۱۳۹۹ به کار گرفتن اشخاص زیر ۱۵ سال ممنوع است با توجه به این قانون می‌توان گفت کودک به اشخاص کمتر از ۱۵ سال اطلاق می‌گردد همچنین در قانون کار بر خلاف قانون مدنی بین سن دختر و پسر قانون‌گذار تمایزی قائل نشده است. در برخی از موارد ممکن است شخص به بلوغ شرعی رسیده باشد اما مطابق قانون کار سن وی کمتر از ۱۵ سال باشد که این حالت در خصوص سن دختران بیشتر دیده می‌شود چرا که ممکن است شرایطی ایجاد شود که در آن وی طبق تعریفی که در فقه و قانون مدنی آمده است به سن بلوغ شرعی رسیده و آماده‌ی پذیرش مسئولیت باشد اما از سوی دیگر مطابق قانون کار کارکردن وی ممنوع شده باشد.

و اعتیاد والدین، کودکان ترک شده یا بدون خانواده که برای کسب درآمد خود مجبور به انجام فعالیت‌های کاری‌اند از جمله عوامل به کار گرفتن کودکان جهت کار می‌باشند. کار کودکان ویژگی‌هایی دارد از قبیل این‌که: مزد آنان اغلب بسیار ناچیز است معمولاً مزد کار کودک مستقیماً به وی پرداخت نمی‌شود و غالباً توسط والدین یا اشخاص دیگری در خانواده دریافت می‌گردد. اغلب کودکان در کارگاه‌هایی مشغول به کار می‌شوند که به ثبت نرسیده‌اند و انجام کارهای غیرمجاز در آنان رواج دارد. فقدان رابطه منظم و مستحکم با خانواده از دیگر ویژگی‌های این کودکان است به نحوی که اغلب رابطه‌ای با خانواده به کل ندارند.

برای پیش‌تر مردم جهان، کار کودک اصطلاح ناآشنایی نیست. گاهی وقتی این عبارت به گوش می‌رسد، چنین استنباط می‌شود که منظور کودکانی است که قالی می‌بافند. برخی دیگر اشکال دیگری از کار کودک را در ذهن خود متصور می‌سازند. برخی نیز مسئله‌ای استخدام کودکان را مطرح می‌کنند اما برای این تعریف که واقعاً کار کودک چیست باید عوامل مختلفی را نظیر نوع کار، فضایی که این کار در آن صورت می‌گیرد، شرایط کار و سن کودکانی که این کارها را انجام می‌دهند مدنظر قرار داد (جنایی، ۱۳۸۱، ۷).

باید توجه داشت که فعالیت‌های کودک شامل امور مختلفی می‌تواند باشد: مشارکت در کارهای داخل خانه، کار در مزرعه خانوادگی، کار در کارگاه خانوادگی، یا کار مزدی بگیری بیرون از محیط خانه. از لحاظ دیگر، فعالیت کودک ممکن است

شامل کار در یک حرفه آسان یا کار بدنی سخت بشود. برای آنکه بتوان به سیاست مشخص در خصوص کار کودکان دست یافت، باید هم طبیعت فعالیت‌هایی که کودک بدان‌ها می‌پردازد و هم نوع رابطه بین او و کارفرما لحاظ شود. به دیگر سخن، باید مشخص شود که در چه مواردی کار جنبه غیرعادلانه دارند و منجر به استثمار کودک می‌شود (عراقی، ۱۳۹۱، ۱۹).

نکته‌ای که در خصوص کودکان کار شایان ذکر است این است که در اکثر موارد، افراد در تعریف کودکان کار، تنها مصداق بارز آن یعنی کودکان خیابانی را در تعریف کودک کار در نظر می‌آورند؛ در حالی که بسیاری از کودکان کار در سطح خیابان نبوده و در کارگاه‌های غیرقانونی مشغول به کار هستند. در مقاله حاضر منظور از کودکان کار چنین رویکردی است که همه کودکان کار را شامل می‌شود.

۵-۳. کودکان کار از منظر فقهی

بر اساس نظر مشهور فقهای امامیه سن بلوغ در پسران ۱۵ سال تمام قمری و در دختران ۹ سال تمام قمری می‌باشد. منظور از بلوغ کودک رشد جسمی اوست و از زمان اثبات بلوغ کودک مخاطب خطابه‌های شرع و موضوع تکلیف و مسئولیت قرار می‌گیرد (موسوی خمینی، ۱۳۶۳). از منظر فقهی، کودک نمی‌تواند در مال و کار خود تصرف نماید. در واقع کودک اهلیت این را ندارد که در کار خود به عنوان مال دخل و تصرفی داشته باشد. در این صورت امکان اجیرکردن کودک وجود ندارد. به

عبارتی هیچ کارفرمایی حق ندارد کودک را حتی در کارهای سبک، حلال و فعالیت‌هایی که ضرری برای کودک به دنبال ندارد به کار بگمارد. مهم‌ترین دلیل از نظر فقهی فقدان اجازه ولی است. به این دلیل که اجیر کردن کودک بدون اجازه ولی حرام است و مرتکب انجام عمل حرام مستحق مجازات تعزیر است، حلی در این خصوص معتقد است: «در هر جرم و گناهی که شارع مقدس برای مجازات آن حدی تعیین ننموده، تعزیر واجب است» (حلی، ۱۳۷۸، ۲، ۲۳۹). چنین دیدگاهی در نزد فقهای دیگر نیز مطرح است (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ۱۴، ۴۶۴؛ نجفی، ۱۳۹۵، ۴۱، ۴۴۸). اما از جهت حکم وضعی، به نسبت کاری که انجام شده باید حق‌الزحمه، به ولی کودک پرداخت شود، تا برای وی نگهداری نماید.

چنانچه ولی که اعم از پدر، جد پدری، وصی آن دو، قیم و حاکم است کودک برای انجام کاری که کودک توانا به انجام دادن آن است، اجیر نماید یا به او اجازه اجیر شدن را بدهد در این صورت بحث کار کودک در دو مبحث قابل تبیین و تحلیل است. لازم به ذکر است که کودک مورد بحث حتماً باید ممیز باشد. مقصود از کودک ممیز، کودکی است که معنی کلمات را به طور اجمال می‌فهمد و قادر است بعضی از امور را از بعضی دیگر تشخیص دهد، و توانایی دارد بعضی از تصرفات را در اموال خود و دیگران انجام دهد.

مبحث اول) اجیر کردن کودک برای انجام کارهای حرام و مضر: ولی شرعی کودک ممیز چنین حقی را ندارد. به عبارتی ولی نمی‌تواند کودک ممیز را به

کارهایی که برای سلامتی وی اعم از بدنی، روحی روانی، اجتماعی و اخلاقی به کار بگمارد و در صورت چنین عملی از سوی ولی، اقدام وی حرام و باطل است. دلایل حرام و باطل بودن اقدام ولی شرعی عبارت است از:

۱) ولایت داشتن ولی در امور مالی کودک مستلزم و منوط به رعایت مصلحت کودک است (طوسی، ۱۳۸۷، ۲، ۱۵۳؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ۲، ۲۱۲). بسیاری از فقها رعایت غبطه و مصلحت را ملاک تصرفات ولی می‌دانند و حتی برخی در این مورد ادعای اجماع میان متقدمان کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ۴۳۳؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۸، ۵۵۹). «مصلحت در مورد هر چیز، مناسب‌ترین وضعی است که آن چیز با توجه به غرض و غایت خود ممکن است داشته باشد» (خویی، ۱۳۸۲، ۴۰۹). بسیاری از فقها مصلحت را امری «شخصی» و منوط به تشخیص «عرفی» ولی می‌دانند (نجفی، ۱۳۹۵، ۳۳۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۹، ۲۸۹؛ بحر العلوم، ۱۴۰۳، ۲۵۳)؛ امری که خود، همچون مصلحت، منعطف و سیال است و نمی‌توان ضابطه و معیار مشخصی را برای آن بیان کرد. این مسئله شاید در بادی امر مشکل‌ساز به نظر نرسد، اما در مقام عمل راه را برای ارزیابی تصمیمات ولی و سایر سرپرستان در زمانی که کودک یا دیگران آن تصمیم را خلاف مصلحت عنوان می‌کنند و درصدد بی‌اثر کردن تصمیم ولی هستند، دشوار خواهد کرد. به علاوه به نظر می‌رسد به جز مصالح شخصی در خصوص هر کودک از لحاظ منحصر به فرد بودن، یک سری مصالح نوعی از لحاظ انسان بودن و غایت مشخص

داشتن برای کودکان وجود دارد؛ امری که در متون فقهی کمتر بدان اشاره شده است.

علاوه بر امور مالی، حتی در امور غیرمالی نیز ولایت داشتن ولی در امور مالی کودک مستلزم و منوط به رعایت مصلحت کودک است (حلی، ۱۳۹۸، ۱، ۹۸؛ فیض کاشانی، بی تا، ۲، ۲۶۵). بر این اساس اجیرکردن کودک به فعالیت‌های مضر برای او و یا اجازه دادن به کودک برای انجام فعالیت‌های مضر خلاف مصلحت کودک بوده و ولی شرعی چنین حقی ندارد. بر این اساس، احراز مصلحت کودک، شرط مهمی است که لازم است در جواز تصرفات ولی، مورد توجه قرار گیرد و حتی تردید در مصلحت کودک کافی نیست و لازم است مصلحت واقعی کودک لحاظ شود (خویی، ۱۴۱۰، ۲۱، ۲).

۲) در قرآن کریم آمده است: مادر و هم‌چنین پدر حق ضرر زدن به کودک را ندارد. «لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ» (بقره / ۲۳۳). آیه مورد اشاره البته در خصوص شیر دادن به نوزاد و حکم رضاع در مورد آن است اما در بحث حاضر نیز قابل تعمیم و استنباط است. مطابق آیه مذکور، ضرر زدن به کودک از سوی ولی شرعی با مصلحت کودک مغایرت دارد و این می‌تواند در اجیر کردن کودک برای کاری که به مصلحت او نیست نیز مصداق داشته باشد.

۳) قاعده لاضرر. مطابق قاعده مشهور لاضرر ولی شرعی نمی‌تواند کودک را به انجام کارهایی که برای وی ضرر دارد وادار نماید یا اجازه آن را صادر کند.

مبحث دوم) اجیر کردن کودک برای کارهای غیرمضر. وضعیت دوم شرایطی است که ولی شرعی، کودک را برای انجام کارهای غیرمضر اجیر نماید یا به وی اجازه اجیر شدن دهد. مطابق دیدگاه مشهور فقها کار کودک با اجازه ولی شرعی برای انجام کارهای غیرمضر مکروه است (طوسی، ۱۴۰۰، ۳۶۸؛ ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶، ۱، ۳۴۶). زیرا چنین کودکی به دلیل این که توانایی انجام کار ندارد، دست به سرقت می‌زند یا از کار می‌دزدد. «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ... وَ نَهَى عَنْ كَسْبِ الْغُلَامِ الصَّغِيرِ الَّذِي لَا يُحْسِنُ صِنَاعَةً بِيَدِهِ فَإِنَّهُ إِنْ لَمْ يَجِدْ سَرَقَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۷، ۱۶۳). بعضی از فقها تصریح نموده‌اند نهی در این روایت تنزیهی است و دلالت بر کراهت دارد (شهید اول، ۱۴۱۷، ۳، ۱۸۰؛ حلی، ۱۴۱۸، ۲، ۵).

شهید ثانی (قدس سره) در توجیه کراهت داشتن کسب کودک می‌فرماید: «این شبهه وجود دارد که کودک به دلیل عدم آگاهی یا به این جهت که می‌داند مرفوع القلم است و ارتکاب حرام در حق او حرام نیست، مرتکب اموری شود که شرعاً حلال نیست، به این جهت کار او مکروه است» (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۳، ۲۲۰).

برخی دیگر از فقیهان این دیدگاه را به صورت دیگری توجیه نموده و فرموده است: «مقصود فقها این است که تصرف ولی در اموالی که کودک کسب کرده مکروه است، زیرا این شبهه وجود دارد که در حین کسب از محرمات، به دلیل عدم آگاهی از مسائل یا به دلیل این که مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیرد، اجتناب نکند، بنابراین مکروه است

آن‌ها برای سلامت اخلاق نوجوانان زیان‌آور است، حداقل سن کار ۱۸ سال تمام خواهد بود و تشخیص این مهم با وزارت کار و امور اجتماعی می‌باشد.

بر اساس ماده ۱۸۸ قانون کار، کار کودکان در کارهای خانگی و به موجب ماده ۱۹۶، کار آن‌ها در کارگاه‌های کوچک زیر ۱۰ نفر ممنوعیت ندارد. بنابراین قانون کار با استثنا کردن کودکان شاغل در کارگاه‌های کوچک و خانگی از اصل ماده ۷۹ و مواد ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ قانون کار که اشتغال به کار کودکان زیر ۱۵ سال را منع کرده زمینه استثمار کودکان را فراهم کرده است. از طرف دیگر همان‌طور که ماده ۸۴ به مشاغلی که برای سلامت، اخلاق و کارآموزان و نوجوانان اشاره کرده به این معنی است که اگر زمینه زیان‌باری برای کار کودکان و نوجوانان مرتفع شود، کارفرما می‌تواند از کار کودکان استفاده کند، در نتیجه این ماده هم زمینه استثمار کودکان را فراهم کرد. به هر حال کار کودک در بخش‌های سازمان‌نیافته در کشاورزی، صنعت و خدمات در بیشتر قسمت‌های جهان در حال توسعه، به رغم هرگونه منع قانونی ملی، وسیع ادامه پیدا می‌کند.

در قانون اساسی نیز به صراحت مقرراتی در خصوص حداقل سن کار تدوین نشده است اما بنابر اصل ۳۰ قانون اساسی که اذعان دارد: «دولت موظف است وسایل آموزش را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و...»، از این رو بنا بر اقتضای حق و تکلیف آغاز سن کار را می‌توان

چنین اموالی را خرید و یا فروخت» (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ۸، ۱۹؛ نراقی، ۱۴۱۵، ۱۴، ۵۹). بر اساس آنچه گفته شد، اجیرکردن کودک و یا اجازه به اجیر شدن وی از سوی ولی شرعی صرفاً در شرایط مجاز است که کار مورد انجام حلال باشد و هیچ نوع ضرر برای کودک به همراه نداشته باشد. البته در این فرض نیز برخی فقها کار کودک را مکروه دانسته‌اند.

۵-۴. کودکان کار از منظر حقوقی

مطابق ماده‌ی ۷۹ قانون کار به کار گرفتن اشخاص زیر ۱۵ سال ممنوع می‌باشد پس می‌توان به نوعی اذعان داشت که مطابق این قانون حداقل سن کار ۱۵ سال تمام است. مطابق مواد ۸۰ الی ۸۴ این قانون، کارگر بین ۱۵ الی ۱۸ سال تمام کارگر نوجوان محسوب می‌شود در ابتدای استخدام باید توسط سازمان تأمین اجتماعی تحت آزمایش‌های پزشکی قرار گیرد و دلیل آن نیز این است که پزشک در خصوص تناسب نوع کار با توانایی‌های نوجوان اظهارنظر می‌نماید و اگر کار را نامناسب بداند کارفرما مکلف است طبق توانایی‌های کارگر شغل وی را تغییر دهد. آزمایش‌های مذکور بایستی سالی یک‌بار تجدید گردند. ساعات کاری کارگر نوجوان در مجموع نیم ساعت کمتر از ساعات کاری کارگر معمولی است همچنین ارجاع هرگونه کار اضافی، سخت و زیان‌آور، انجام کار در شب و حمل بار با دست بیش از اندازه‌ی مجاز و بدون به کارگیری وسایل مکانیکی برای وی ممنوع می‌باشد. مشاغل و کارهایی که به علت ماهیتشان کار در

مقارن با دوره‌ی متوسطه تلقی نمود (هاشمی، ۱۳۷۰).

مطابق ماده‌ی ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی «به کارگیری کودکان در امر تکدی‌گری» از جمله اموری است که از سوی قانون‌گذار مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است. هرکس طفل صغیر یا غیر رشیدی را وسیله‌ی تکدی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه‌ی اموالی که از طریق مذکور به دست آورده است محکوم خواهد شد. از دیگر موارد نیز می‌توان به ماده‌ی ۳ قانون نحوه‌ی مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت دارند اشاره کرد: «استفاده از صغیر برای نگهداری، نمایش، عرضه، فروش و تکثیر نوارهای غیرمجاز موضوع این قانون، موجب اعمال حداکثر مجازات‌های مقرر، برای عامل خواهد بود».

مطابق بند دوم ماده ۲ مقاوله‌نامه ۱۳۸ سازمان بین‌المللی کار^۱ با عنوان مقاوله‌نامه تعیین حداقل سن کار، مصوب ۱۹۷۳، حداقل سن تعیین‌شده از جانب کشورهای عضو نباید از ۱۵ سال کمتر باشد و دولت جمهوری اسلامی ایران در هشتم آبان ۱۳۸۰ به این مقاوله‌نامه پیوست. همچنین مطابق

بند چهارم همین ماده^۲ به شرط اتمام تحصیلات اجباری به کودکان سن ۱۴ سال نیز مجوز اشتغال داده می‌شود. ماده سه این مقاوله‌نامه حاکی از آن است که در صورت دشوار بودن ماهیت کار و آسیب به سلامت و بهداشت ایمنی یا اخلاقی کودکان، ۱۸ سال را معیار قرار داده است و مطابق بند سه همین ماده به شرط حفظ سلامت ایمنی و اصول اخلاقی ۱۶ سال سن را نیز بلامانع دانسته است. همچنین در ماده ۷ اذعان می‌دارد کشورها ممکن است به افراد ۱۳ تا ۱۵ سال اجازه‌ی اشتغال دهند؛^۳ اجازه این اشتغال بایستی منوط به شرط حفظ سلامت کودکان و وارد نیامدن هیچ‌گونه خللی در زمینه آموزش آنان باشد (کونونتینون، ۱۹۹۹-۱۹۷۳، ۱۳۸). ماده ۲ مقاوله‌نامه ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار با عنوان مقاوله‌نامه ممنوعیت و محو بدترین اشکال کار کودک مصوب ۱۹۹۹، بدترین اشکال کار را برای اشخاص زیر ۱۸ سال ممنون انگاشته است؛^۴ بدترین اشکال کار مطابق ماده ۳ مقاوله‌نامه مذکور عبارت‌اند از: کلیه اشکال برده‌داری، استخدام کودک برای انجام کارهای مسلحانه، استفاده از کودکان برای گرداندن مراکز فساد یا ارائه‌ی کودکان برای فحشا، استفاده از کودک برای

^۱ «حداقل سنی که به تبعیت از پاراگراف ۱ این ماده تعیین شده است از سن متعارف در هنگام پایان دوره آموزش اجباری، و به هر حال کمتر از ۱۵ سال، نخواهد بود».

^۲ «صرف نظر از مقررات پاراگراف ۳ این ماده، دولت عضوی که امکانات اقتصادی و تسهیلات آموزش‌اش به حد کافی نرسیده باشند می‌تواند، پس از رایزنی با انجمن کارفرمایان و اتحادیه کارگران ذی‌نفع، چنانچه تشکیل شده باشند، در ابتدا حداقلی سن را ۱۴ سال تعیین کنند».

^۳ «قوانین و مقررات دولتی متن برای اشخاص ۱۳ تا ۱۵ ساله اشتغال یا کار سبکی را اجازه دهد که: الف) به احتمال زیاد به تندرستی یا رشد

اشخاص یاد شده آسیب نخواهد رساند؛ و ب) مغل حضور آنان در مدرسه و شرکتشان در برنامه‌های آموزشی، راهنمایی و حرفه‌ای یا کارآموزی‌ای نباشد که به تصویب مقام‌های صلاحیت‌دار رسیده باشد و نیز تعداد ساعات و شرایط کار داوطلب در چنین مواردی را تعیین خواهند کرد».

^۴ در این مقاوله‌نامه، اصطلاح «کودک» در مورد کلیه اشخاص زیر ۱۸ سال به کار برده می‌شود.

انجام فعالیت‌های غیرقانونی به ویژه برای تولید و تجارت مواد مخدر و کاری که به دلیل طبیعت کاری و یا شرایط انجام آن موجب به خطر افتادن سلامت ایمنی یا اصول کلی کودک خواهد بود (کونونتینون، ۱۹۹۹-۱۹۷۳، ۱۸۲). با توجه به مباحث مذکور می‌توان گفت و قوانین کار در ایران در خصوص حداقل سن کار کودکان مطابق مقوله- نامه‌های سازمان جهانی کار ۱۵ سال سن را مقرر داشته است و همچنین در مورد مشاغل دشوار که به سلامت ایمنی یا اخلاقی آنان لطمه وارد می‌کند حداقل سن ۱۸ سال را ملاک قرار داده است (جنگجو و همکاران، ۱۳۹۴). اما صحبتی از افراد زیر پانزده سال در خصوص اشتغالشان به میان نیامده، که به طور کلی در ماده ۷۹ قانون کار اشتغال این رده‌ی سنی توسط قانون‌گذار ممنوع اعلام گردیده است.

۵-۵. تأثیر اقتصاد بر کودکان کار و کودکان

کار اضطرار

در این قسمت تلاش شده، تأثیر اقتصاد بر کودکان کار و کودکان کار اضطرار بررسی شود.

۵-۵-۱. تأثیر اقتصاد بر کودکان کار

در این قسمت از تأثیر اقتصاد بر حذف پدیده کودکان کار بحث می‌شود. لازم به ذکر است که توسعه اقتصادی سه عرصه مهم زیر را شامل می‌شود: الف) سیاست‌هایی که دولت برای رفع اهداف گسترده شامل کنترل تورم، اشتغال‌زایی و رشد پایدار اتخاذ می‌کند. ب) سیاست‌ها و

برنامه‌هایی برای ارائه خدمات شامل احداث بزرگراه‌ها، مدیریت پارک‌ها و ارائه دسترسی پزشکی به افراد محروم ج) سیاست‌ها و برنامه‌هایی که هدف اصلی آن‌ها بهبود فضای تجاری از طریق تلاش‌های تخصصی، تأمین مالی تجاری، بازاریابی، توسعه مناطق مجاور، حفظ و توسعه تجاری، انتقال فناوری، توسعه املاک و سایر موارد می‌باشد (توما و همکاران، ۲۰۱۳). در عرصه اول، توسعه اقتصادی می‌بایست در خدمت کنترل تورم، اشتغال‌زایی و رشد پایدار باشد. از جمله چالش‌های پیش روی اقتصاد ایران مسئله بیکاری است. رشد لجام‌گسیخته جمعیت که در حین سال‌های جنگی اتفاق افتاد آثار منفی خود را در دهه‌های بعد نشان داد و نتیجه این امر بیکاری بیش از ۳/۵ میلیون نفر از جمعیت فعال ۲۳ میلیونی کشور است (حسین‌زاده و نصرتی، ۱۳۹۳).

از سویی، توسعه اقتصادی با تغییرات بنیادین در اقتصاد کشور همراه است. تعدادی از این تغییرات عبارت‌اند از: افزایش سهم صنعت و کاهش سهم کشاورزی در تولید ملی افزایش شمار شهرنشینان و کاهش جمعیت روستایی افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه و افزایش اشتغال (حجازی و همکاران ۱۳۹۴). افزون این‌که بدون دستیابی به توسعه اقتصادی، اختلال‌های جدی در فرایند توسعه پدید خواهد آمد.

ارتباط توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی با کودکان کار در اینجا است که یکی از مهم‌ترین دلایل کودکان کار، فقر اقتصادی است. بارزترین خصوصیت این کودکان، فقر و مشکل مالی خانواده

آن‌هاست که کودکان را نیز درگیر کرده است (ماندگار، ۱۳۹۶، ۱۶۶ و ۱۶۷). در واقع یکی از شایع‌ترین پاسخ‌ها به پرسش در مورد علت کودکان کار، وضعیت اقتصادی خانواده‌ها و کسب درآمد است؛ چراکه درآمد سرپرست خانواده پرجمعیت برای مخارج زندگی کافی نیست. بر اساس اظهارات کودکان در مطالعه کمی نیز بالاترین علت کار کودکان در خیابان، کمک به معاش خانواده است. علت کار کردن خود را کمک به معاش خانواده گزارش کرده‌اند (اعزاز، ۱۳۸۵، ۱۳۷). در بستر تحقیقات انجام‌شده فقر را مهم‌ترین دلیل کار کودکان به عرصه‌ی کار را از زاویه‌ی عرضه و تقاضا بررسی می‌کند. در میان عوامل مربوط به عرضه، فقر مهم‌ترین عاملی است که کودکان را وادار به کار کردن می‌کند. زیرا درآمد حاصل از کار کودک برای زندگی او و خانواده‌اش ضروری است.

فقر از جمله پدیده‌هایی است که امروز بیش از پیش تحولات کشورهای در حال توسعه را تحت‌الشعاع قرار داده است نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی شدیدی که در این کشورها ملاحظه می‌شود بستری است برای بروز شیوع آسیب‌های اجتماعی متعدد که نیازمند اتخاذ تدابیر ریشه‌ای و ساختاری است بدیهی است قشر کودکان در این وضعیت بیشترین آسیب را متحمل شده است. فقر از هم گسیختگی خانواده طلاق اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی دیگر از ویژگی‌هایی است که از دلایل کودکان کار است (حسینی، ۱۳۸۵، ۲۴۸).

فقر به عنوان عامل قوی باعث می‌شود که والدین مجبور شوند کودکان خود را به کار بفرستند. برای

خانواده‌های فقیر، سهم ناچیز درآمد یا کمک او در خانه که امکان کار کردن را برای والدین به وجود می‌آورد، می‌تواند چنان مؤثر باشند که خانواده را از گرسنگی برهاند. بررسی‌ها این نکته را روشن کرده‌اند که تعداد زیادی از کودکان شاغل تمامی دستمزدها را به والدینشان می‌دهند (زمانی، ۱۳۷۸، ۱۴). بر این اساس عوامل اقتصادی و در کل دلایلی مانند خشک‌سالی و کم محصولی سبب می‌شوند تا هجوم جمعیت متأثر از فقر اقتصادی و فرهنگی به سوی شهرها و مناطق حاشیه‌ای که کودکان نیز بخش قابل توجهی را تشکیل می‌دهند، به عنوان یک پدیده اجتماعی اقتصادی به وجود آید (سید میرزایی، ۱۳۷۸، ۲).

با گسترش شهرنشینی، فقر و سایر مشکلات اجتماعی، مشکل کودکان کار نیز در حال گسترش است (ری و همکاران، ۱۹۹۹). کم‌درآمدی خانواده‌ها، بی‌سوادی و فقدان مهارت‌های حرفه‌ای والدین، پُر اولاد بودن خانواده‌ها از عوامل عمده روی آوری کودکان به کار است (آرامی و نوعی تیموری، ۱۳۸۰).

دسترسی نداشتن بسیاری از کودکان به آموزش رسمی و ناتوانی در تأمین هزینه‌های تحصیل در کنار مشکل‌های اقتصادی خانواده‌ها در ایران، کودکان را به سوی کار سوق می‌دهد. خانواده‌های کودکان خیابانی، اغلب پرجمعیت‌اند و پدران این خانواده‌ها به کارهای کم‌درآمدی اشتغال دارند.

نبود برنامه‌ی رفاهی مناسب، یکی دیگر از عواملی است که کودکان را مجبور به کار می‌کند. زمانی که در خانواده‌ها امکانات رفاهی وجود نداشته باشد،

کودکان خود را موظف می‌دانند برای تأمین حداقل امکانات زندگی، اقدام به کار کنند. افزایش جمعیت از جمله دیگر مواردی است که به دنبال آن و به اجبار کودکان مجبور به ترک خانه می‌شوند. زمانی که تعداد اعضای خانواده بیشتر می‌شود، مخارج زندگی نیز به تبع آن افزایش می‌یابد و به ویژه در میان اقشار ضعیف جامعه، و خانواده‌هایی که یک نفر مسئولیت تأمین مخارج را دارد، تأمین مخارج به مشکل می‌خورد و دیگر یک نفر به تنهایی قادر به تأمین مخارج نیست. لذا، لازم است اعضای دیگر خانواده نیز برای تأمین مخارج همکاری نمایند و در صورتی که سن آن‌ها از سن قانونی کار پایین باشد و در سنین کودکی باشند، پدیده‌ی کودکان کار شکل می‌گیرد. تورم و گرانی نیز یکی دیگر از مواردی است که به دنبال آن تأمین هزینه‌ها با دشواری مواجه می‌شود و نیاز به کار کودکان را افزایش می‌دهد.

۵-۵-۲. کار اضطراب کودکان

واقعیت امر این است که حذف کامل پدیده کار کودک شاید حتی با اشتغال‌زایی و توسعه اقتصادی نیز امکان‌پذیر نباشد، چرا که به عنوان نمونه، کار کودک در کشورهای توسعه‌یافته که به رشد بالای اقتصادی نیز دست‌یافته‌اند هم وجود دارد (هلد و مک‌گرو، ۱۳۸۲، ۸۸-۸۷). امروز دیگر برخی طرفداران حقوق کار از لغو کار کودک کمتر حرف می‌زنند، بلکه سخن این است که کار کودک قانونمند شده و به رسمیت شناخته شود، برای آن حقوقی معادل کار بزرگان در نظر گرفته می‌شود و

از بیمه اجتماعی برخوردار باشند و... هرچند قبل از ظهور سرمایه‌داری کار کودک به صورت خانه شاگردی یا همراه با خانواده وجود داشته است اما آن نوع کار بیشتر جنبه آموزشی و جنبه آموزش ورود به زندگی را داشت و در حقیقت کودکان بخشی از دوران آموزشی خود را به آن صورت می‌گذارده‌اند (سید میرزایی، ۱۳۷۸، ۱۵).

پذیرفتن پدیده کار کودک و تلاش برای قانونمند ساختن آن، ما را به مقوله اضطراب رهنمون می‌سازد. اضطراب یکی از عناوین ثانویه در فقه شیعه است، که به خاطر آن، حکم اولیه برداشته می‌شود. و اضطراب گاهی در فعل و گاهی در ترک فعل می‌باشد. و به عبارت دیگر؛ اضطراب به مجبور شدن به انجام ارادی فعل با عدم رضایت قلبی، یا سلب کامل اختیار اطلاق می‌شود. اضطراب اگر ناشی از اکراه باشد، ضمان را از مضطر «مکروه» برداشته و متوجه اکراه‌کننده می‌کند؛ اما اگر ناشی از اکراه نباشد، مضطر ضامن است. مانند فردی که به خوردن غذای دیگری اضطراب پیدا می‌کند که در این صورت ضامن قیمت آن است. اضطراب در بحث معاملات به این صورت است که معامله مضطر در صورتی که اضطراب او ناشی از اکراه باشد باطل است، مانند آنکه فردی به اجبار دیگری، خانه‌اش را بفروشد؛ اما اگر اضطراب وی ناشی از اکراه نباشد معامله درست است، مانند آنکه انسان برای درمان بیماری مجبور به فروش خانه خویش گردد (نجفی، ۱۳۹۵، ۴۲۸).

قانون مدنی در ماده ۲۰۶ ضمن اعلام اعتبار ماده اضطرابی تصریح می‌کند که اگر کسی در نتیجه

اضطرار اقدام به معامله کند مکره محسوب نمی‌شود و معامله اضطراری نافذ است. گاهی اوقات کودکان با وجود اینکه نباید کار کنند و معاملاتی که با آنان بسته می‌شود اگر به اذن ولی نباشد باطل است اما به دلایلی که ذکر شد کار می‌کنند. چراکه اگر کودکان شرایطی همچون اضطرار برای کار کردن داشته باشد در این صورت وضع قوانین نمی‌تواند کودک گرسنه‌ای را که به ناچار برای بقا به سوی کار می‌شتابد سیر کند؛ یا مورد حمایت قرار دهد، چرا که او با وجود ممنوعیت قانونی مشغول به کار شده و محتاج به کار است (میدانی و عبدی، ۱۳۹۵، ۳۴). بنابراین ضمن اینکه باید قوانینی برای مبارزه با کار کودک وجود داشته باشد اما با توجه به شرایط و عواملی که باعث می‌شود کودکان مشغول به کار شوند دولت و قوانین بهتر است ابتدا به شناسایی این کودکان و حمایت از آنان و خانواده‌هایشان در جهت رفع کار کودکان عمل کنند.

کودکان در بسیاری از خانواده‌ها، نان‌آوران کوچکی هستند که منع آن‌ها از انجام فعالیت درآمدزا حکم به نابودی میلیون‌ها انسان است. علاوه بر این هر نوع کاری برای کودکان مضر نیست، مثلاً کاری که به پیشرفت و سلامتی جسمی و روانی آنان اثر سوء برجا نگذارد و با تحصیل و حضورشان در مدرسه نیز منافاتی نداشته باشد نه تنها مضر و ناپسند نیست بلکه متضمن فایده نیز خواهد بود. مثلاً کارهای که در زمان تعطیلات مدارس برای کسب درآمد و کمک به والدین انجام می‌دهند، پسندیده است و به پیشرفت کودک و رفاه خانواده هم کمک

می‌کند؛ و به آنان مهارت و تجربه و حس مسئولیت‌پذیری در آینده را می‌آموزد. لذا کار کودک در معنای دقیق خود به این دسته از فعالیت‌ها اطلاق نمی‌شود. وقتی صحبت از کار کودکان در شرایط اضطرار می‌شود منظور کار کودک به معنای اخص است که به فعالیت‌های اطلاق می‌شود که از لحاظ روانی، جسمی، اخلاقی و اجتماعی نظر به وضعیت کودک برای وی مضر است و کودک قلب راضی به چنین کاری نیست (غفاری فارسانی، ۱۳۸۷، ۲۳۷). اما چون در شرایط سختی قرار گرفته است که به درآمد آن برای حفظ بقای خود و خانواده‌اش نیازمند است، قبول می‌کند که چنین کارهایی را انجام دهد. انجام این کارها از نظر قانونی صحیح است چرا که طبق ماده ۲۰۶ «اگر کسی در نتیجه اضطرار اقدام به معامله کند، کره محسوب نشده و معامله‌ی اضطراری معتبر خواهد بود». با توجه به این ماده قانونی به‌طور قطع معاملاتی که در شرایط اضطرار برای فرد پیش می‌آید و فرد اقدام به انجام آن معامله می‌کند صحیح است اما این‌گونه معاملات و کارهای که توسط کودکان انجام می‌شود نیازمند به حمایت قانونی و نظارت بر این نوع کارها است. چراکه با توجه به این که قانون کودک را از کار کردن ممنوع کرده است؛ وقتی کودکان در چنین شرایطی قرار می‌گیرند نیازمند به حمایت دولت و وجود مکان‌های برای انجام کار شرافتمندانه و مناسب هستند که در ازای این کارها مزد مورد نیاز را دریافت کنند. که چنین مکان‌های برای کودکان از نظر کار کردن معین و مشخص نشده است. که این

کمبود یا خلاء قانونی باعث شده کودکانی که نیازمند و محتاج یا به اصطلاح مضطر هستند برای پیدا کردن کار و رفع احتیاجات خود و خانواده‌هایشان به دام بیفتند.

۵-۶. ضرورت رفع خلاء قانونی

طبق ماده ۷۹ قانون کار ایران «به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است»، اما برابر ماده ۱۸۸ قانون کار، کارگران کارگاه‌های خانوادگی که انجام کار آن‌ها منحصراً توسط صاحب کار و همسر و خویشاوندان نسبی درجه یک از طبقه اول انجام می‌شود، مشمول مقررات این قانون نخواهد بود (قانون کار ماده ۱۸۸، ۷۹). در بعضی موارد کودکان مشغول به کار در این کارگاه‌ها توسط پدر و مادرشان به اجبار به کار گرفته می‌شوند، به خصوص کارهایی که آن‌ها را از رشد و تحصیل محروم می‌کند و مشکلات جسمی مانند کم‌بینایی که به وسیله قالی‌بافی و مليله‌دوزی است و همچنین مشکلات روحی مانند پرخاشگری و بدخلقی و غیره را برای آنان به وجود می‌آورد. و این افراد به این وسیله از رشد اجتماعی، فرهنگی، علمی جا می‌مانند. و این خود یک خلاء قانونی در بخش کار اجباری توسط کودکان است که بهتر است قانون‌گذار این کارگاه‌ها را مشمول قانون کار قرار دهد تا به این طریق والدین از حق ولایت خود سوءاستفاده نکنند و مانع رشد کودکان و گاهی اوقات صدمات جبران‌ناپذیری نشوند.

علاوه بر این، یکی از مواد قانونی که می‌توان ایراد به آن وارد کرد ماده ۳ قانون حمایت از کودکان

است. که بیانگر عدم تناسب مجازات کارفرمایان با جرم آنان می‌باشد؛ این ماده مقرر می‌دارد: «مجازات کسانی را که از کودکان بهره‌کشی می‌کنند شش ماه تا یک سال زندان و یا جزای نقدی از ۱۰ میلیون ریال تا ۲۰ میلیون ریال می‌باشد (قانون حمایت از کودکان، ماده ۳). در صورتی که این مجازات در برابر جرائمی که کارفرمایان و صاحبان کار نسبت به کودکان مرتکب می‌شوند خیلی ناچیز است. چراکه در بعضی از این بهره‌کشی‌ها اتفاقات جبران‌ناپذیری رقم می‌خورد، به گونه‌ای که چندین خانواده را درگیر می‌کند. بنابراین نسبت به این جرائم خلاء قانونی وجود دارد و بهتر است که قانون‌گذار تدابیری بی‌اندیشد و مجازاتی مقرر و تعیین کند که سنگین و دردناک باشد تا او از بزه‌دیدگی کودکان پیشگیری شود. ثانیاً مرتکبین به سزای اعمال خودشان برسند و درس عبرتی شود برای دیگر صاحبان کار، که کودکان را به کار اجباری و خلاف قانون گماشته‌اند. همچنین در ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی مقرر شده است که «نفقه اولاد بر عهده پدر است، پس از فوت پدر یا عدم قدرت او انفاق بر عهده اجداد پدری است با رعایت الاقرب فالاقرب در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آن‌ها نفقه بر عهده مادر است». طبق این ماده نفقه کودک در هیچ شرایطی بر عهده خودش نیست چه رسد به اینکه نفقه سایر اعضای خانواده را هم بخواهد تأمین کند. اگرچه طبق این ماده کودک نباید کار کند، اما اگر اضطراری برای کودک پیش آمد که مجبور به کار کردن باشد در این شرایط دولت و قانون‌گذاران باید

وارد صحنه بشوند و این اضطرار را رفع کنند. از آنجایی که هنوز چنین اقدام و تدابیری اندیشیده نشده است و کودکان به دلیل شرایط اضطراری یا اجباری در خیابان‌ها و مکان‌های نامناسب مشغول به کار هستند لذا ایرادی بر قانون و قانون‌گذاران وارد است؛ بنابراین کار کردن هر کودکی بدون شرایط و ضوابط، ناشی از ضعف و خلاء قانونی است که در مورد این قشر وجود دارد.

۶. نتیجه

نتایج مقاله نشان‌دهنده صحت فرضیه مطرح شده است. بر اساس نتایج به دست آمده، یکی از مهمترین عوامل کار کودکان فقر آنان می‌باشد لذا توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی با ایجاد درآمد و رفاه نسبی در جامعه، بر کاهش کودکان تأثیرگذار است. اما حذف کار کودکان نزدیک به واقعیت نیست. نتایج نشان داد در فقه کار کودک تحت شرایطی پذیرفته شده است. یکی از مهمترین شرایط این است که کار کودک ضرری برای وی به دنبال نداشته باشد و از روی ناچاری و با خواست ولی کودک انجام شود. البته برخی فقها کار کودک در چنین شرایطی را نیز مکروه می‌دانند. بر همین اساس ضروری است که کار کودکان در موارد اضطرار را مورد حمایت قانونی قرار داد به ویژه که حذف کامل پدیده کار کودک امری آرمان‌گرایانه به نظر می‌رسد.

در نظام حقوقی ایران، با اینکه قوانین مختلفی در خصوص کار کودکان به تصویب رسیده است اما

کاستی‌ها و خلاءهای به این قوانین وارد می‌باشد مواردی را که می‌توان به آن اشاره کرد ماده ۸۸ قانون کار است که کارگاه‌های خانوادگی را مشمول قانون کار ندانسته است که در این کارگاه‌ها کودکان توسط والدین خود به کار گرفته می‌شوند و والدین با توسل به حق ولایت کودکان را با به کارگیری در این کارگاه‌ها از آموزش و تحصیل باز می‌دارند. اشکال دیگری که می‌توان وارد کرد به ماده ۳ قانون حمایت از کودکان است که بیانگر عدم تناسب جرم و مجازات است؛ که مجازات ۶ ماه تا یک سال زندان یا جزای نقدی از ۱۰ میلیون ریال تا ۲۰ میلیون برای کسانی که کودکان را به صورت غیرقانونی به کار می‌گیرند می‌باشد که این مجازات خیلی نسبت به جرایمی که صاحبان کار نسبت به کودکان وارد می‌کنند کمتر است و برای کارفرمایانی که ثروتمند هستند پرداخت این جزای نقدی خیلی راحت می‌باشد در واقع این مجازات نمی‌تواند از جرایمی که به این وسیله برای کودکان پیش می‌آید جلوگیری کند.

پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار از جزای نقدی به مراتب سنگین‌تری که جنبه بازدارندگی دارد استفاده نماید. همچنین، اقدامات اصلاحی در مورد وضعیت کار کودکان بایستی شامل پیگیری دقیق تقاضای ثبت همه کارگاه‌ها باشد به ویژه در مورد مؤسساتی که از کار کودکان استفاده می‌کنند، تبصره‌های مؤثر در مورد شرایط کار باید تصویب شود. معاینه پزشکی قبل از اشتغال همراه با کنترل تندرستی دوره‌ای، می‌بایستی برای همه کودکان کارگر به اجرا درآید. این امر باید به شاخص

تغییرات در سلامت آنان تبدیل شود و بتواند به عنوان وسیله‌ای برای لغو یا تجدید امتیاز یک تولیدی به کار رود. کودکان کار را هم باید تشویق کرد تا از لحاظ سلامت و تغذیه مناسب تحت نظارت یک کلینیک عمومی باشند.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تألیف پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تعارض منافع

در این مقاله تعارض منافع وجود ندارد.

منابع

- ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره صد و هشتاد و یک، ۱۳۹۴.
- حجازی، نگین، فاضل، رضا، وحید، فریدون، «بررسی تأثیر توسعه منطقه عسلویه بر کیفیت زندگی با رویکرد رشد صنعتی»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره چهارده، ۱۳۹۴.
- حجتی اشرفی، غلامرضا، ایران قوانین و احکام مجموعه قوانین اساسی - مدنی، چاپ پنجم، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۷۹.
- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، جلد هفدهم، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹.
- حسین زاده، هدایت، نصرتی، رضا، «بررسی تأثیر طرح توسعه بنگاه‌های کوچک و زودبازده بر ایجاد اشتغال در استان‌های منتخب کشور»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، شماره هفت، ۱۳۹۳.
- حسینی، سید حسن، کودکان کار و خیابان، چاپ اول، تهران، نشر سلمان، ۱۳۸۵.
- حسینی مراغی، میرعبدالفتاح، عناوین، جلد دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸.
- حلی، حسن بن یوسف، نهایه المرام فی علم الکلام، جلد اول، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع)، ۱۳۹۸.
- حلی، حسن بن یوسف، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الإمامیه؛ ط الحدیث، جلد دوم، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۷۸.
- حلی، حسن بن یوسف؛ قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام؛ جلد دوم، قم، دفتر انتشارات
- آرامی، شهریار، نوعی تیموری، سید محمد، «درآمدی بر آسیب‌شناسی کودکان با تأکید بر کودکان کار»، فصلنامه علمی - پژوهشی انتظام اجتماعی، شماره سه، ۱۳۸۰.
- آزاد ارمکی، تقی، بررسی مسائل اجتماعی، چاپ اول، تهران، نشر جهاد، ۱۳۷۷.
- ابن ادریس حلی، محمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، جلد دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰.
- ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز، المذهب، جلد اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۶.
- اعزازی، علی، جامعه‌شناسی کج روی، چاپ دوم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانش، ۱۳۸۵.
- امامی، حسن، حقوق مدنی، جلد پنجم، چاپ سوم، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۱.
- بحر العلوم، محمدتقی، بلغه الفقیه. جلد سوم، تهران، منشورات المکتبه الصادق، ۱۴۰۳.
- جماد جوهری، اسماعیل، الصحاح اللغه و صحاح العربیه، قاهره، نشر احمد، ۱۳۷۶.
- جنابی، زهرا، «جهانی‌شدن و کار کودک»، مجله کار و کارگر، شماره هجده، ۱۳۸۱.
- جنگجو (خراطها)، فرزاد، نصیری، حسین، جامی، جواد، «مروری بر حمایت از کودکان کار در نظام حقوقی ایران با نگاهی بر اسناد بین‌المللی».

- اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۸.
- و خیابان در شهر تهران»، مجله مدیریت فرهنگی، شماره بیست و دو، ۱۳۹۲.
- حلی، حسن بن یوسف، مختلف شیعه فی أحكام الشیعه، جلد هفتم، قم، انتشارات قم، ۱۴۲۰-۱۴۱۲.
- سید میرزایی، سید محمد، «کودکان آسیب‌پذیر شهری»، فصلنامه جمعیت، شماره بیست و هفت و بیست و هشت، ۱۳۷۸.
- حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، ۱۴۰۸.
- طباطبائی، محمدکاظم، عروه الوثقی فیما تعم به البلوی، جلد پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹.
- خویی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهه تقریرات توحیدی، قم، انتشارات وجدانی، ۱۳۹۷.
- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، جلد دوم، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷.
- خویی، ابوالقاسم، المحاضرات فی علم الاصول. به تقریر اسحاق فیاض، جلد چهارم، مطبعة نجف، ۱۳۸۲.
- طوسی، محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۰.
- خویی، ابوالقاسم، منهاج الصالحین، جلد دوم، قم، مدینه العلم، ۱۴۱۰.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه، جلد سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.
- خویی، ابوالقاسم، منهاج الصالحین، جلد دوم، قم، مدینه العلم، ۱۴۱۰.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، جلد سوم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، جلد سوم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰.
- عباسی سرمدی، مهدی، زنگی اهرمی، عهدیه، «بررسی سن کودک و آثار حقوقی آن از منظر اسناد بین‌المللی» فصلنامه علمی - ترویجی فقه و حقوق خانواده، شماره نود و چهار، ۱۳۹۴.
- عراقی، عزت‌الله، حقوق کار، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۱.
- حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، ۱۴۰۸.
- خویی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهه تقریرات توحیدی، قم، انتشارات وجدانی، ۱۳۹۷.
- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، جلد دوم، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷.
- خویی، ابوالقاسم، منهاج الصالحین، جلد دوم، قم، مدینه العلم، ۱۴۱۰.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه، جلد سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، جلد سوم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰.
- عباسی سرمدی، مهدی، زنگی اهرمی، عهدیه، «بررسی سن کودک و آثار حقوقی آن از منظر اسناد بین‌المللی» فصلنامه علمی - ترویجی فقه و حقوق خانواده، شماره نود و چهار، ۱۳۹۴.
- عراقی، عزت‌الله، حقوق کار، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۱.

- غفاری فارسانی، بهنام، «نگاهی به کنوانسیون بدترین اشکال کار کودک»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره دو، ۱۳۸۷.
- فراهیدی، عبدالغفور خلیل بن احمد، کتاب العین، جلد ششم، قم، نشر هجرت، ۱۴۱۰.
- فیض کاشانی، محمد محسن، مفاتیح الشرائع، جلد دوم، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، بی تا.
- کلانتری، صمد، کیانی، مژده، «بررسی تطبیقی کار کودکان در کشورهای پیشرفته و جهان رو به توسعه با تکیه بر شاخص توسعه انسانی»، مجله سیاسی اقتصادی، شماره دویست سی و یک و دویست سی و دو، ۱۳۸۶.
- ماندگار، سهراب، «بررسی جنبه‌ی حقوقی وضعیت کودکان کار، خیابانی و دستفروش و بی سرپرست»، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، شماره دو، ۱۳۹۶.
- محسنی، رضا علی، «بزهکاری و بزه‌دیدی کودکان کار و خیابان و راه‌های پیشگیری»، ماهنامه شماره پنجاه و سه، ۱۳۸۴.
- محمد طریقی، فخر الدین، مجمع البحرین، جلد دوم، تهران، نشر احمد حسینی، ۱۳۶۲.
- محمدی، مجید، «رسانه‌ها و مقتضیات امنیت اجتماعی»، مجله جامعه سالم، شماره یک، ۱۳۹۴.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، جلد چهاردهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳.
- مکارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهه، کتاب البیع، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۴۱۱.
- موسوی بجنوردی، محمد، «بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران برای بهره‌برداری از حقوق مربوطه»، مجله متین، شماره بیست و یک، ۱۳۸۲.
- موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، جلد یکم، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۳.
- مهدزبیدی، محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، جلد یازدهم، بیروت، دار مکتبه الحیاء، ۱۳۰۶.
- مهرپور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، چاپ اول، تهران، نشر اطلاعات، ۱۳۸۳.
- میدانی، علیرضا، الهام، عبدی، «تأثیر کار کودک در بزهکاری اطفال»، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، شماره یک، ۱۳۹۵.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، کتاب الحجر، جلد بیست و ششم، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، جلد چهاردهم، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۵.
- هاشمی، سید محمد، «نگرشی بر قانون جدید کار جمهوری اسلامی ایران»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره نه، ۱۳۷۰.

- هلد، دیوید، مک‌گرو، آنتونی، جهانی‌شدن و مخالفان آن، ترجمه عرفان ثابتی، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۲.

منابع لاتین

- Convention 182, Geneva, (17 June 1999), North America, Antwepem-Axford.
- Convention concerning minimum age for administrator employment, (26 June 1973).
- Ray, S.K., Mishra, R., Biswas, R., Kumar, S. Nutritional status of pavement dweller children of Calcutta city. Indian Journal of Public health, 1999.
- Toma, S.G., Grigore, A.M., Marines, P. Economic Development and Entrepreneurship. Procedia Economics and Finance, 2013.